



در آغاز هفتمین سال

مقالات و بررسیها - فرهنگ ملی ایران

با این دفتر نشریه «مقالات و بررسیها» هفتمین سال انتشار خود را آغاز می کند و با آغاز آن گامی دیگر در راه هدفی که برای آن به وجود آمده بر می دارد. در هفت سال پیش که تصمیم به انتشار این مجله گرفتیم این را هم پیش بینی می کردیم که دوام انتشار آن به صورتی که هم از سطح علمی شایسته ای برخوردار باشد و هم از هدف اصلی خود منحرف نگردد توجه و مراقبتی دائم و مستمر می خواهد از آن رو که دانشکده الهیات با عمر نسبتاً طولانی خود در این زمینه تجاربی اندک داشت و با تجارب اندک کوشش و دقتی بیشتر لازم بود. در سال ۱۳۱۳ ه. خ (= ۲۴۹۳ ش.) یعنی در همان سال که این دانشکده با قانون تأسیس دانشگاه به وجود آمد نشریه ای هم به نام «دانشکده معقول و منقول» در آن بنیاد یافت که نخستین شماره آن به تاریخ فروردین ۱۳۱۴ منتشر گردید. این نشریه که غالباً مشتمل بر اخبار و مقررات دانشکده و سخنرانیهای بود که در این دانشکده ایراد می شد با اینکه نشریه بسیار مفیدی بود ولی دیری نپائید و فقط هشت شماره از آن جمعاً در ۵۲۵ صفحه منتشر گردید. و متجاوز از سی سال پس از آن تاریخ هم که بار دیگر کوششی برای انتشار مجله ای

به عمل آمد و نشریه دیگری به نام « نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی » بنیاد نهاده شد با آنکه در مقدمه آن با کمال حسن نیت اظهار امیدواری شده بود که در شماره های بعد با تجربت و مهارستی بیشتر گامهای استوارتری در راه خدمت به فرهنگ اسلامی بردارد معذک این امید به تحقق نپیوست و از آن نشریه سودمند هم چیزیك شماره انتشار یافت و نخستین شماره آن آخرین شماره آن نیز بود، و به همین جهت وقتی در هفت سال پیش تصمیم به انتشار « مقالات و بررسیها » به صورت يك نشریه فصلی منظم گرفتیم هنوز این نگرانی در همکاران آزموده ما وجود داشت که مبادا این نشریه هم به سر نوشتی آنچنان که نشریه های سابق را بود دچار شود، و فاصله بین آغاز و پایان کار آن کوتاه باشد یا اصلا نباشد، ولی در دوره جدید دانشکده که اساس کار آن بر ترقی سطح علمی و تقویت دوره های تخصصی و پیشرفت کیفی دانشکده نهاده شده بود انتشار نشریه ای تحقیقی و منظم يك ضرورت بود نه يك تفنن که بتوان از آن گذشت، زیرا اگر استاد یا محققى که در رشته کار خود به مطالعه و تحقیق می بردازد نتواند نتیجه کار خود را در اختیار دیگران بگذارد و از نتیجه کار دیگران هم آگاه گردد و از این داد و ستد فکری هم بهره برگیرد و هم بهره برساند نه تحقیق و تبعی با روش صحیح صورت خواهد گرفت و نه در سطح علمی پیشرفتی نصیب دانشکده خواهد شد. وانگهی این را خود پیش از این آزموده بودیم که اگر نشریه ای دارای هدفی علمی و مشخص باشد به خصوص اگر آن هدف در زمینه ای از فرهنگ ایران باشد که در آن جایی خالی به چشم

می خورد، و در هدف خود ثابت قدم ماند، و در ورطهٔ ابتدال و انحراف نیفتد، و عشق و علاقه‌ای هم برای ادامهٔ آن وجود داشته باشد علتی برای عدم توفیق آن نخواهد بود. و با همین امید و اطمینان بود که نشریهٔ «مقالات و بررسیها» بنیاد یافت و امروز هفتمین سال آن را آغاز می‌کنیم. گرچه انتشار منظم این نشریه و دقت و مراقبتی که برای پیشرفت و کمال صوری و معنوی آن لازم بود به آسانی صورت نگرفت ولی موجب خوشوقتی است که زحمات تحمل شده به نتیجهٔ مطلوب رسید و این نشریه در مدتی که گذشت نه تنها با آهنگی منظم در مسیر هدف خود روی به پیشرفت داشته بلکه از لحاظ علمی و فنی و حسن اداره، آن توانائی را هم یافته که برای ایجاد رابطی بین محققان این دانشکده و جهان خارج از قلمرو زبان فارسی دو نشریهٔ علمی دیگر را نیز یکی به زبان عربی و دیگری به زبانهای انگلیسی و فرانسه در کنار خود دائر و سرپرستی نماید.

ولی بالاتر از همهٔ اینها این است که در طی این مدت همکاران جوان ما در این دانشکده با شرکت مؤثر خود در تهیه و تنظیم و نشر این مجله به آن اندازه از تجربه‌های سودمند و دقت نظر علمی و خبیرت و بصیرت آراسته شده‌اند که با اطمینان می‌توان این امید را در دل پروراند که این نشریه و نشریه‌های تابع آن در آینده نیز تحت اشراف ایشان مانند گذشته با حفظ سطح علمی خود در مسیر هدفی که برای آن مشخص شده به پیشرفت خود ادامه دهد، و با آماده شدن برای ادای وظایفی بزرگتر خلئی را که در زمینهٔ فرهنگ اسلامی ایران به چشم می‌خورد

تا حد توانائی خود پیر کند. و اگر در آغاز هفتمین سال این نشریه باز هم سخن از برخی هدفهائی می رود که در آغاز نخستین دفتر آن به اجمال یاد شده نخست برای توضیح بیشتر و بیان اهمیتی است که این هدف دارد و دیگر برای یادآوری مجدد و توصیه دوستانه ای است به همکاران فاضلی که حفظ و استمرار این نشریه را در آینده بر عهده خواهند داشت.

یکی از هدفهائی که برای این نشریه مشخص گردیده و در نخستین مقاله از نخستین دفتر آن اجمالاً بیان شده «شناساندن موارث ملی ایران است در همه جلوه های آن، در آنجا یادآور شدیم که وقتی صحبت از موارث ملی می شود باید بلافاصله به این مطلب هم توجه شود که مقصود از موارث ملی همه مظاهر ذوق و اندیشه ایرانی در همه تجلیات آن است، اعم از اینکه آن تجلیات در زبان فارسی باشد یا عربی و جلوه گاه آن در سرزمین ایران باشد یا خارج از آن، زیرا فرهنگ ایرانی در دوره های مختلف تاریخ طولانی خود و به مقتضای هر عصر و زمان در خارج از مرزهای ایران و در قالب زبانهای دیگر نیز جلوه های بدیع و جالبی داشته که جالب تر و بدیع تر از همه جلوه آن در زبان عربی و در پهنه جهان گسترده اسلام است. و چون موارث ملی ایران و به خصوص شاخه عربی آن یکی از ارکان اصلی فرهنگ مردم این سر زمین است بنابراین بی مورد نیست که در اینجا برای جلب توجه و اهتمام بیشتر کسانی که به هر صورت با فرهنگ ملی ایران سروکار دارند و یادآوری وظیفه ای که در این میان نشریه «مقالات و بررسیها» بر عهده دارد توضیح زیر را اضافه کنیم:

در دهه دوازدهم قرن پیش که زبان فارسی پس از فترتی دوباره به تدریج

در صحنهٔ ادب و کتابت گام نهاد و در کنار زبان عربی که آن روزها در ایران هم رواج داشت قرار گرفت پیشرفت این زبان در مسیری افتاد که هر چند در آن روز کار امری طبیعی می نمود ولی آنها که همهٔ امور را با معیارهای امروز می سنجند آن را غفلتی از گذشتگان به حساب می آورند، و آن این است که برخلاف شاعران و برخی از نویسندگان ایران که زبان فارسی را برای بیان عواطف و افکار خود برگزیدند بسیاری از علما و دانشمندان این سرزمین برای بیان مطالب علمی و اندیشه‌های فلسفی خود زبان فارسی را به کار نگرفتند و کتب و نوشته‌های خود را کماکان به زبان عربی تألیف کردند و نتیجهٔ آن یکی این شد که زبان فارسی بداندسان که در زمینهٔ شعر و ادب پیشرفت کرد و پرمایه و غنی شد تا حدی که ادبیات منظوم فارسی از ادبیات منظوم عربی هم پیشی گرفت در زمینه‌های علمی و فلسفی به چنان پیشرفتی نایل نیامد بلکه تا حدی در بعضی رشته‌ها کم مایه و نارسا باقی ماند. و دیگر اینکه بسیاری از آثار عقل و اندیشهٔ علمای گذشتهٔ این سرزمین که امروز باید از پایه‌های اصلی و اساسی فرهنگ ملی ایران باشد به زبانی درآمد که امروز هم مانند گذشته از دسترس عامهٔ مردم این سرزمین خارج است و فهم آن جز برای عدهٔ کمی از خواص میسر نیست.

این که گفتیم این وضع در آن روز کار امری طبیعی می نمود بدان جهت است که برخلاف شعرا و گویندگان که روی سخنشان با مردم همین مرز و بوم بوده و ناچار به زبان خود آنها سخن گفته‌اند علما و دانشمندان را روی سخن نه با عامهٔ مردم ایران بلکه با علمای عصر خود در همهٔ عالم اسلام بوده و به همین جهت آثار خود را به زبانی

نوشته‌اند که برای علمای سایر اقطار جهان اسلام هم مفهوم باشد. و چون عامه مردم را با علم و سواد کاری نبوده و حتی سواد خواندن و نوشتن هم از کمالات به شمار می‌رفته نه از ضروریات بنابراین اگر علمای قوم برای خود و در بین خود زبانی به کار می‌برده‌اند که مردم آن را نمی‌فهمیده‌اند این امر زیاد به چشم نمی‌خورده بلکه تا حدی هم طبیعی می‌نموده و شاید هم از مختصات علم شمرده می‌شده که به زبانی بالاتر از فهم عامه باشد تا بدین ترتیب شرف و مکانت علم محفوظ تر ماند.

ولی در عصر ما چنین نیست و معیارهای امروزی ما این رویه را روا نمی‌شمارد، زیرا در جهان امروز نه تنها داشتن سواد خواندن و نوشتن امری ضروری است، بلکه برخورداری از دانش و فرهنگ در سطحی متناسب، و شناختن فرهنگ ملی و تاحدی هم جهان‌شناسی خود یکی از ضروریات زندگی ملت‌های با فرهنگ شناخته شده، و به همین جهت است که در دنیای امروز سعی می‌شود که از یک سو با آموزشهای لازم سطح سواد و فرهنگ مردم بالا رود، و از سوی دیگر مطالب علمی که تا کنون فقط در میان علما و با اصطلاحات پیچیده علمی مطرح می‌شد با زبانی ساده‌تر هم برای استفاده عامه مردم بیان شود، اگر نه تا آن حد که درخور متخصصان و دانشمندان است، دست کم در آن حد که راه را بریندارهای ناصواب به بندد و مغزها را از آلوده شدن با اوهام و خرافات به جای دانش و معرفت باز دارد. و با این معیار است که این دو کونگی در فرهنگ ایران که آن را به دوشاخه عربی و فارسی تقسیم کرده و باعث شده که یک قسمت مهم از آن برای مردم این

سرزمین ناشناخته ماند زیاد به چشم می خورد زیرا این مسئله خود یکی از مسائل مهم فرهنگ ایران در عصر حاضر است .

از آنچه گذشت شاید این مطلب هم تا حدی روشن شده باشد که برای شناختن فرهنگ ایران در جلوه های مختلف آن و شناساندن آن به مردم این سرزمین که باید مبانی فرهنگ خویش را بشناسند چه گامهای بلندی باید برداشته شود و چه کارهای مهمی باید صورت گیرد. و از نخستین گامهایی که در این راه باید برداشته شود یکی این است که همه آثار با ارزش علمای گذشته این سرزمین و به خصوص آنها که دربرگیرنده فکر و اندیشه علمای سلف در دوران شکوفائی علم و معرفت در عالم اسلامی است با روش علمی و انتقادی به زبان فارسی برگردانده شود ، و در تمام رشته های معارف اسلامی بدانسان که در خور پیشرفتهای علمی عصر حاضر و مقتضای وسائل جدید تحقیق است پژوهشهای تازه ای صورت گیرد و همه اینها به زبان فارسی روان در اختیار همه مردم ایران با اختلاف سطح دانش و بینش ایشان قرار گیرد، و بدینسان هم ایرانیان از سابقه فرهنگ و به خصوص فرهنگ اسلامی خود آگاه گردند و دانشمندان گذشته خود را از روی آثار خود ایشان بشناسند، و هم زبان فارسی در رشته های علمی به کار افتد و از این راه غنی و پرمایه گردد و با افزایش سرمایه لغوی و قدرت تعبیر آن برای دریافت همه رشته های علوم و معارف عصر آماده گردد . و گام برداشتن در این راه مهمترین وظیفه ای بوده است که « مقالات و بررسیها » از روز انتشار خود بر عهده شناختن و در آینده نیز باید پیوسته آن را در سر لوحه رسالت خویش قرار دهد.

و از آنجا که دانشکده الهیات و معارف اسلامی به همانگونه که يك مرکز آموزشی و پژوهشی دانشگاهی در قلمرو زبان فارسی است يك مرکز تحقیقات اسلامی در سطحی وسیعتر نیز هست و این امر ایجاب می کند که معلمان و محققان این دانشکده پیوسته با عالم خارج نیز در ارتباط فکری باشند تا هم از تحقیقاتی که در فرهنگ اسلامی و ایرانی یا زمینه های مشابه در جاهای دیگر صورت می گیرد آگاه گردند و هم نتیجه تحقیقات خود را در دسترس محققان دیگر بگذارند و فرهنگ اسلامی ایران را در سیمای واقعی آن در خارج از قلمرو زبان فارسی هم بشناسانند چنانکه ذکر شد دو نشریه دیگر هم به زبانهای عربی و خارجی در کنار « مقالات و بررسیها » به وجود آمد تا آنها هم رابطی بین فضای ایران و جهان خارج در زمینه های معارف اسلامی و فرهنگ ایران باشند. این نشریه ها مشتمل خواهند بود بر سخنرانیهایی که استادان این دانشکده در مجامع علمی بین المللی یا علمای خارج در دانشکده الهیات ایراد کرده اند و یا مقالاتی که به علت اشتمال بر مطالبی که در محافل علمی خارج مورد بحث و گفتگو است به زبان خارجی نوشته می شود یا ترجمه می گردد. و علت این که برای این گونه مقالات و سخنرانیها نشریه های جداگانه ای در نظر گرفته شده این است که « مقالات و بررسیها » از هدف اصلی خود که نشر علم و معرفت اسلامی در سطح تحقیقی به زبان فارسی است بازمانند و در آینده نیز مانند گذشته در راه شناساندن قسمتی از فرهنگ ناشناخته ایران به مردم این مرز و بوم که نیازی مبرم به شناخت فرهنگ خویش دارند کام بردارد.

محمد علی